

برای یک لقمه نان دور هم جمع شده ایم

غزال مرادی

گفتگو با یک زن کرد شاغل در صنعت

• در میان زنانی که در بازار کار ایران اشتغال دارند، شمار زیادی از آنها را زنان کارگر تشکیل می‌دهند که با توجه به تراکم اشتغال زنان در بخش خدمات، به نظر می‌رسد ضرورت شناسایی وضعیت آنها و آسیب‌های این حوزه بسیار ضروری است. فاطمه لیسانس ادبیات دارد و در یک شرکت تولیدکننده قطعه‌های صنعتی به عنوان کارگر مشغول به کار است. ...

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۷ - ۴ مارس ۲۰۱۹



دیگری _ در میان زنانی که در بازار کار ایران اشتغال دارند، شمار زیادی از آنها را زنان کارگر تشکیل می‌دهند که با توجه به تراکم اشتغال زنان در بخش خدمات، به نظر می‌رسد ضرورت شناسایی وضعیت آنها و آسیب‌های این حوزه بسیار ضروری است زنان کارگر، در جامعه ایران از تبعیض‌های چندگانه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی رنج می‌برند و اولین قربانیان وضعیت بحرانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

در ایران هستند. آنها افزون بر اینکه مشاغل کم‌درآمد و پرزحمت با ساعات کار طولانی دارند و انواع تبعیضها را تحمل می‌کنند، در صف اول اخراج‌ها نیز قرار دارند. شهرک‌های صنعتی با خودشان کارگرهایی از شهرهای دور و نزدیک می‌آورند که همه برای یک‌لقمه نان دوره‌جم می‌شوند. در ایران ۸۰۷ شهرک و نواحی صنعتی به بهره‌داری رسیده است. شهرک‌های صنعتی در استان مرکزی بسیاری از مهاجران کار را از شمال و جنوب و غرب کشور در خود جای‌داده است. کمبود پتانسیل کاری برای زنان در سالهای اخیر باعث شده است که زنان در تنگنای بیشتری قرار بگیرند. بویژه زنان قومیت‌ها که مسایل و مصایب خاص خود را دارند. گفتگویی زیر با فاطمه انجام شده است. زنی از اقوام کرد که سال‌هاست در همین شهرک‌های صنعتی کار کرده است. فاطمه لیسانس ادبیات دارد و در یک شرکت تولیدکننده قطعه‌های صنعتی به عنوان کارگر مشغول به کار است.

با توجه به اینکه شما لیسانس ادبیات دارید چرا در صنعت اشتغال دارید؟

من چندین سال است که مشغول به کار هستم ولی نتوانستم مرتبط با لیسانسم کاری پیدا کنم. البته اوایل در شرکتی در قسمت اداری کار می‌کردم اما بعد از ورشکست شدن آنجا نتوانستم شغل اداری پیدا کنم، شغل‌های مختلفی داشتم از منشی مطب تا کار در شیرینی‌فروشی و حالا هم در این شرکت کار می‌کنم. صاحبان صنایع اینجا کمتر دوست دارند زنان متأهل و کرد را در مشاغل اداری استخدام کنند. بیشتر اهالی غرب کشور در قسمت‌هایی کار می‌کنند که کار سخت‌تر و به نیروی بازوی بیشتری نیاز دارد. مثلاً یکی از همشهری‌ها با داشتن لیسانس متالوژی در یک شرکت ریخته‌گری کار می‌کرد آن‌هم به‌زور هزاران توصیه و در جریان تعدیله‌ها هم از کار کنار گذاشته شد. به یکی دوفری که برای کار توصیه خواستیم گفتند که شرکت‌ها تمایل کمتری به استخدام کردها دارند. وضعیت کردهای سنی حتی بدتر از ما کردهای شیعه است.

به مسئله قومیت اشاره کردید و اینکه بر روی کار شما تأثیر گذاشته است آیا این مسئله در محل کار شما در روند ترفیع گرفتن و یا مزایا هم تأثیر دارد؟

مهاجران کرد زبان در این شهر زیاد هستند و شاید همین مسئله باعث شده است که صاحبان صنایع روی خوشی به آنها نشان ندهند. البته مسائلی نظیر ترفیع گرفتن یا اعمال تبعیضها بیشتر تکیه بر روابط

بین فردی دارد و همه چیز بر پایه روابط است. مثلاً ممکن است سرپرستی با یکی از کارگرها همشهری باشند و همین مسئله باعث بشود که به او کارهای سبکتری نسبت به بقیه واگذار شود. یا اینکه برخی از زنان به واسطه ظاهرشان مورد توجه باشند یا برخی بلد هستند چطور چاپلوسی بالادستی‌ها را بکنند و ترفیع می‌گیرند. ولی خب کارگران مهاجر به دلیل اینکه وضعیت متزلزلتری دارند بیشتر با این مسائل درگیر هستند و باید دو برابر دیگران بجنگند. اگر در شهرهای ما هم شهرک صنعتی وجود داشت نیازی نبود که مهاجرت کنیم. الان تنها افرادی در شهرهای ما هستند که یا کار دولتی دارند یا شغل آزاد.

تبعیض و تفاوت جنسیتی در رابطه با میزان دستمزدهای دریافتی زنان و مردان سالها مورد بحث گروه‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوق بشری است. آیا شما هم مشاهده‌ای از آن داشته‌اید؟

در حقوق پایه زن و مرد دستمزدشان برابر است اما پای افزایش حقوق یا سمت که به میان می‌آید، بازهم تفاوت‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد. زن‌ها حقوقشان نسبت به مردها کمتر افزایش می‌یابد یا اینکه اگر قرار باشد مرد وزنی ترفیع بگیرند، ترفیع نصیب مرد می‌شود چون همه استدلال‌ها این است که مرد نان‌آور خانواده است و کار زن دائمی تلقی نمی‌شود. البته وقتی منشی مطب پزشکی بودم از حداقل حقوق قانون کار هم کمتر می‌گرفتم و بیمه هم نمی‌شدم. تجربه در شیرینی فروشی هم همینطور بود. کارگران زن از مردها حقوق کمتری داشتند و بیمه هم نبودند.

آزار زنان در محیط کار، جزئی از خشونت علیه زنان در محیط‌های عمومی تلقی می‌شود، خشونت‌های روانی معمولاً شامل تحقیر و توهین زنان و واگذاری کارهای حاشیه‌ای و پست به آنهاست که باعث کاهش اعتماد به نفس آنها می‌شود. خشونت‌های جنسی هم شامل هرگونه عمل، رفتار یا گفتاری است که اشاره به مسائل جنسی و بدن زنان داشته باشد شما در محیط کارتان چقدر با این دست خشونت‌ها مواجه هستید؟

خشونت‌های روانی که بسیار اتفاق می‌افتد، ما هرروز شاهد تحقیر از سوی سرپرستان و مدیران هستیم. آنها خیلی راحت به ما توهین کرده و تحقیرمان می‌کنند. البته این مورد برای کارگران مرد هم اتفاق می‌افتد. آزارهای جنسی هم زیاد است مثل نگاه‌های هیز و شهوت‌آلود، چشم‌چرانی‌ها و اینکه به گوش ما میرسد که طرز لباس پوشیدن یا نوع اندام ما را برای همه تعریف و یا حتی مسخره می‌کنند، ادای راه رفتن ما را درمی‌آورند یا حتی بعضی وقت‌ها حتی تنه زدن یا نزدیک

شدن بیش از حد اتفاق می‌افتد. البته در مورد زن‌های کرد مردها کمتر اجازه تا این حد گستاخی را به خود می‌دهند چون به نوعی در جامعه جا افتاده است که واکنش مردان کرد نسبت به نوامیس خود می‌تواند برایشان دردسر داشته باشد، البته این شامل زنان کردی می‌شود که همسران یا برادران قوی‌تری دارند.

مثلاً به دلیل این‌که من و یکی دو نفر دیگر رفتار جدی و کاری داریم و به اصلاح بگو و بخند نیستم، سرپرستم خیلی با ما بد رفتاری می‌کند و کارهای سخت‌تر را به ما واگذار می‌کند. حتی گاهی اضافه کاری هایمان را هم کسر می‌کند. مدرک تحصیلی مرا مسخره می‌کند و...

آیا تا به حال به مدیران خود نسبت به این رفتارها اعتراض کرده اید و زنان نسبت به آزار جنسی همکاران خود با خانواده هایشان صحبت می‌کنند؟

نه من به همسر نگفته‌ام چون بیشتر او را هم ناراحت می‌کند و او کاری از دستش بر نمی‌آید. دیگران هم فکر نمی‌کنم راجع به چنین مسائلی با هم خانواده شان صحبت کنند. ولی مشکل دیگری هم وجود دارد. زنان کرد از ترس این‌که ممکن است صحبت درباره آزارهای همکاران مرد برای خانواده‌شان مشکل ایجاد کند یا ممکن است این حرف زدن با واکنش‌های ناموسی از سوی مردان خانواده روبرو شود، حرفی نمی‌زنند و این باعث تشدید این آزارها می‌شود. به خصوص ما کردها که مردهایمان تعصب بیشتری دارند و ممکن است واکنش‌های احساسی بیشتری نشان بدهند.

مدیران بالادستی هم جز تذکر صرف به آن ادما کاری نمی‌کنند جز این که شرایط را بدتر کنند. از طرف دیگر آبروی خود آدم هم در میان است. به محض آشکار شدن خشونت، انگشت اتهام به سمت زنها می‌رود. ما تنها کاری که می‌کنیم این است به همدیگر از تجربه هایمان می‌گوییم.

آیا مسائل ایمنی مورد نیاز شما در کارگاه و جود دارد و کار شما چقدر با شرایط جسمی‌تان مطابق است؟ شرایط محیطی در کار شما چطور است؟

به دلیل وجود خانه‌های بهداشت کارگری تجهیزات ایمنی در اختیار ما قرار می‌گیرند، اما معمولاً مناسب نیستند. گوشی‌ها برای حفاظت گوش از کیفیت خوبی برخوردار نیستند و گاهی حتی باعث عفونت گوش می‌شوند و کفش‌های ایمنی یا مناسب شماره پای زنان وجود ندارند و ما مجبور

می‌شویم که کفش‌های بزرگ‌تر بپوشیم که باعث کم‌درد و پادرد می‌شود و همچنین وزن کفش‌های ایمنی مشکل‌دیگر ماست. به دلیل اینکه دستکش‌هایمان زیاد مناسب نیست به دلیل تماس با روغن‌ها دچار حساسیت‌های پوستی می‌شویم.

شرایط کارمان هم زیاد مناسب نیست. در تابستان‌ها خیلی گرم و در زمستان‌ها سرد و فاقد سیستم گرمایشی است و مجبوریم لباس زیاد بپوشیم که آن‌هم برای حرکتمان مشکل ایجاد می‌کند.

با تشکر از وقتی که در اختیار دیگری قرار دادید.